

مفهوم عفو وگذشت و جایگاه آن در نظام مذهبی و اجتماعی و حقوقی
ایران

علی حیدری نیا^۱
محمد رضا کیخا^۲
محمد اصغری حسامیه^۳
پرویز علیزاده^۴

تاریخ وصول: ۹۴/۰۲/۱۱

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۰/۱۰

چکیده

یکی از مفاهیم بلند در فرهنگ اسلامی و قرآنی مفهوم عفو وگذشت است. عفو وگذشت یکی از فضیلت ها و منش های نیک در رفتار و اخلاق انسانی است کسانی که رنگ خدایی به خود می گیرند انسان های با گذشتی هستند که از خطا و گناه و اشتباه دیگری چشم می پوشند عفو به معنی گذشت از گناه و خطای دیگری و خودداری از مجازات خطا کار و گناهکار می باشد یکی از راههای رسیدن به بسیاری از کمالات و مقامات انسانی است که در آیات قرآن بیان شده است هر کسی که بخواهد مصداق عناوین بلند و مقامات والایی چون نیکو کاری و شکیبایی و پرهیز گاری شود و از محبت و گذشت الهی برخوردار گردد و بسیاری از بلاها و مصیبت ها و گرفتاری ها را رفع کند و در نزد مردم بزرگ و محبوب شود و از رحمت خاص خداوندی و عنوان محبوب و حبیب الهی بهره مند گردد باید از این راه سود جوید. عفو به معنای کنترل و مهار خشم و عواطف و چشم پوشی از حقوق خود است و این موجب می شود تا انسان صبر را در مقام خشم و غضب تجربه کند تکرار این گونه اعمال در انسان باعث می شود تا صبر و شکیبایی

^۱- دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه
ازاد اسلامی، واحد زاهدان، زاهدان، ایران heidariniaali@yahoo.com

^۲- استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه سیستان
و بلوچستان

^۳- دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد زاهدان، دانشگاه ازاد
اسلامی، زاهدان، ایران

^۴- دانشجوی دکتری جزا و جرم شناسی دانشگاه ازاد اسلامی، تهران مرکز

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شماره چهل
وهفتم، زمستان ۱۳۹۴

تقویت شود و آدمی به پاداش صابران برسد به این معنی که مقام صابران پاداش عمل عفوی می شود که خود مصداق صبر حالی و حالتی بوده است و خداوند در آیات ۳۴ و ۳۵ سوره فصلت صبر را عاملی برای گذشت انسان ها در برابر بدی ها می شمارد.

واژگان کلیدی: عفو، گذشت، نظام اجتماعی، نظام مذهبی، نظام حقوقی ایران.

مقدمه و بیان مسأله

مباحث اخلاقی از جمله موضوعاتی است که نقش کلیدی در زندگی بشر داشته است و با زوایای مختلف حیات انسانی ارتباط مستقیم دارند. در عصر حاضر، با توجه به نحوه ی تعامل انسان ها با یکدیگر و درگیری هایی که در زندگی روزمره ی آن ها رخ می دهد، یکی از مباحث اخلاقی که بررسی آن می تواند از تنش های موجود در جامعه تا حد بسیاری بکاهد، موضوع عفو و بخشش به ویژه در زندگی اجتماعی است. ارزشمندترین و جامع ترین منابعی که چگونگی و محدوده ی عفو و بخشش را برای ما روشن می سازد، آیات و روایات موجود در این زمینه می باشند. پس با بررسی آنها این موضوع روشن می شود و می توان راهکارهای بهتری ارائه داد. همچنین با آشکار شدن فضائل و آثار و برکات عفو و بخشش در اجتماع، افراد جامعه به بهره بردن از این صفت پسندیده ترغیب خواهند شد. اهداف اصلی این تحقیق عبارت است از: بیان حدود و شمول و آثار و برکات عفو در زندگی اجتماعی و همچنین بیان بسترها و راهکارهای مناسب برای تحصیل صفت عفو. ثمره ی علمی تحقیق پیش رو این است که با استفاده از آن می توان مرز بین حوزه ی عفو و مدارا را از محدوده ی تساهل و تسامح ناروا باز شناخت. از سوی دیگر، دستیابی به مدارا و گذشت نیازمند تحقق زمینه های عقیدتی، اخلاقی و روانی در فرد و جامعه و بکارگیری راهکارهای مناسب است. در این میان، توجه به آثار مثبت این صفت، از مؤثرترین عوامل دستیابی به آن می باشد که همه ی این موارد در این تحقیق شرح داده شده است.

مفهوم عفو وگذشت و جایگاه آن در نظام مذهبی و اجتماعی و حقوقی ایران

از نظر کاربردی نیز عفو و بخشش از موضوعاتی است که منحصر به یک مؤسسه یا ارگان نمی باشد بلکه برای به وجود آمدن روابط صحیح و مسالمت آمیز بین افراد جامعه باید فرهنگ عفو و بخشش در تمام جامعه عملی شود.

موضوع عفو و بخشش یکی از پر زاویه ترین موضوعات است و پرداختن به همه ی جوانب آن در گنجایش یک تحقیق نیست. برخی منابع مانند کتاب «گذشت عالی ترین کرامت انسانی» (ترجمه ی کتاب العفو، نوشته ی جعفر بیاتی، مترجم: حبیب روحانی) به طور اختصاصی به بررسی عفو پرداخته اند. همچنین بخش هایی از کتاب های اخلاقی از قبیل: «قلب سلیم» (عبدالحسین دستغیب)، «اخلاق در قرآن» جلد ۳ و «زندگی در پرتوی اخلاق» (ناصر مکارم شیرازی) ، زیبایی اخلاق (حسین انصاریان) ، اخلاق (ترجمه کتاب الاخلاق ، نوشته عبدالله شب بر ، مترجم: محمد رضا جباران) و ... به بیان عفو و بخشش اختصاص داده شده است.

از جمله کتاب های حدیثی در این رابطه، می توان به آثاری چون «اصول کافی» (جلد ۲، باب العفو، نوشته محمد یعقوب کلینی)، «محجّه البیضاء» (جلده، باب فضیله العفو، نوشته ی محسن فیض کاشانی)، «جامع السعادات» (جلد ۱، باب العفو، نوشته ی محمد مهدی نراقی) و ... اشاره نمود.

بخش اول: مفهوم عفو وگذشت و جایگاه آن در نظام اجتماعی و مذهبی ایران
عفو و حدود و شمول آن در اجتماع را در این بخش بررسی می کنیم.

گفتار اول: مفهوم عفو

عفو در اصل به معنای صرف نظر کردن و رها نمودن است، از این رو، در مورد صرف نظر کردن از عقوبت گناه «عفاعنه» به کار می رود. از آن جا که رها کردن و بی توجهی به یک عبارت، موجب نابودی آن می شود، این واژه به معنی محو و نابودی نیز به کار رفته است. در مورد پشم و موی حیوان که بی

توجهی و پیرایش نکردن آن موجب تکثیر و افزایش آن می‌گردد عفو معنای تکثیر می‌دهد و به معنای نمو و افزایش نیز به کار رفته است. در عبارت قرآنی «...حَتَّى عَفُوا وَ قَالُوا...» (آیه ۹۵ سوره ی اعراف) به همین معناست. عفا به معنی خاک نیز آمده است. چنین معنایی از این جهت است که به خاک توجهی نمی‌شود. در تعریف عفو عباراتی گفته شده است که ما در زیر به ذکر برخی از آن‌ها می‌پردازیم:

«عفو آن است که برای شخصی حقی از قبیل قصاص یا جریمه گرفتن ثابت شود و این شخص از حق خود بگذرد و از آن صرف نظر کند».

«عفو ضد انتقام است و آن اسقاط حق خود از قبیل قصاص یا جریمه می‌باشد».

«حقیقت عفو این است که شخص گناهکار را چشم پوشی و اغماض کنی و به ظاهر او را ملزم به خطا و گناهش ننمایی و از آنچه به تو رسیده است از اهانت و ضرر و ناراحتی، از باطن و قلب ببخشی و اضافه بر این‌ها، او را نیکویی و خوبی روا بداری».

حال که مفهوم واژه ی عفو مشخص شد بر آنیم که به طور مختصر به بیان ویژگی‌های عفو کامل و واژه‌های نزدیک به عفو و صفات اخلاقی مربوط به آن در قرآن کریم بپردازیم.

بند اول- ویژگی‌های عفو حقیقی

اولین ویژگی عفو حقیقی این است که باید به هنگام قدرت بر انتقام باشد. اگر شخصی قدرت بر انتقام نداشته باشد و به دلیل ضعف و ناتوانی از او درگذرد، عفو گفته نمی‌شود.

از دیگر ویژگی‌های عفو حقیقی این است که عفو کننده در عین گذشت از خطا کننده حق سرزنش او را هم از خود نفی کند و او را صفح نماید. زیرا سرزنش، ملامت و تندی، نوعی کیفر و مجازات محسوب می‌شود. همان طور که حضرت علی (علیه السلام) فرموده اند: «التَّقْرِیحُ أَحَدُ الْعُقُوبَاتِ».

ویژگی سوم این است که فرد مؤمن در عفو خود اوج گیرد و به سرزنش نمودن اکتفا ننماید، بلکه بدی

مفهوم عفو و گذشت و جایگاه آن در نظام مذهبی و اجتماعی و حقوقی ایران

دیگران را با دعا و احسان نمودن به آن ها پاسخ دهد.

خداوند متعال در آیه ای خطاب به پیامبر اکرم (صلوات الله علیه) می فرماید: «... إِدْفَعْ بِأَلَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ...» (سوره المؤمنون، آیه ۹۶)؛ آزار و بدی ها را به آنچه نیکوتر است دفع کن و ما [جزای] گفتار آن ها را بهتر می دانیم.

یعنی بدی هایی را که از منکران و ظالمان می بینی با نیکی تلافی کن و از بین خوبی ها خوبتر را انتخاب کن و منتها درجه ی طاقت خود را در احسان به ایشان مبذول مدار.

بند دوم- واژه های نزدیک به عفو
الف- صفح

این واژه در لغت به معنای: ۱. پهنای و کناره ی هر چیز، ۲. پهلوی مردم، ۳. رخسار مردم، ۴. روی گرداندن و اعراض کردن از چیزی، ۵. در گذشتن از گناه و خطای کسی آمده است. معنی صفح، از عفو رساتر است زیرا علاوه بر گذشت کردن، معنای نکوهش نکردن را نیز در بر دارد. صفح مرتبه ای بالاتر از عفو بوده و به معنای فراموش کردن خطا و هیچ پنداشتن آن است. یعنی صفحه ای جدید برای روابط گشودن. لذا خداوند متعال فرموده است: «... فَأَعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ...»؛ (سوره بقره آیه ۱۰۹) ببخشید و درگذرید تا حکم حق برسد.

ب- غفران

غفر در لغت به معنای پوشاندن و مستور کردن آمده است. «... غَفَرُ اللَّهُ غُفْرَاناً...» یعنی خداوند گناهان او را مستور و پنهان کرد. بنابر این غفران گناه به معنای مستور و ناپدید کردن آن است. «... فَيَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَ يُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ...»؛ (سوره بقره آیه ۲۸۴) خداوند گناهان را به نفع کسی که بخواهد می پوشاند و آن که را که خواهد عذاب می کند.

غفران گاهی به گذشت ظاهری اطلاق می شود، هرچند در باطن گذشت و ستر نیست. مانند معنای غفران در این آیه: «... قُلْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ...»؛ (سوره جاثیه آیه ۱۴) به کسانی که ایمان آورده اند و بگوازان کسانی که به روزهای پیروزی خدا ایمان ندارند در گذرند، تا [خدا] گروهی را به آنچه مرتکب شده اند مجازات کند.

«...وَ إِنْ تَعَفُّوا وَ تَصْفَحُوا وَ تَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ...»؛ (سوره تغابن آیه ۶۴) و اگر ببخشید و در گذرید و بیامرزید، به راستی خداوند آمرزنده و مهربان است. پشت سر هم آمدن کلمات عفو، صفح و مغفرت در این آیه بیانگر این مطلب است که گرچه عفو کردن و سرزنش نکردن مهم است، ولی نادیده گرفتن خطا به طور کامل مهم تر است. همچنین غفران، مرحله ی بالاتر از آن دو بوده و آخرین مرحله ی بخشش محسوب می شود. پس تفاوت عفو و غفران این است که عفو به معنای در گذشتن و ساقط کردن عذاب است اما مغفرت به معنای پوشاندن جرم و خطا، برای محافظت از عذاب، شرمندگی و رسوایی است.

ج- اغماض

غمض در لغت به معنای چشم روی هم گذاشتن و چشم پوشی آمده است که به طور استعاره به تساهل و تغافل گفته می شود. تغافل یعنی شخصی چیزی را می داند و به آن آگاهی کامل دارد ولی از روی مصلحت و بنا بر در نظر گرفتن شرایط خاص، خود را غافل و بی خبر نشان می دهد و به گونه ای برخورد می کند که طرف مقابل تصور کند او از موضوع بی خبر است.

بند سوم- صفات اخلاقی مرتبط با عفو
الف- حلم

واژه ی حلم در لغت چنین معنا شده است: کنترل کردن نفس از شدت هیجان خشم و غضب. و در اصطلاح عبارت است از: صبر و استقامت در برابر امور محرک خشم. بنا بر این می توان گفت: حلم، مفهوم

مفهوم عفو و گذشت و جایگاه آن در نظام مذهبی و اجتماعی و حقوقی ایران

بردباری، صبر زیاد و یا حوصله ی بیشتر را در بر دارد و از انسان های بردبار تعبیر به حلیم می شود. «...إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّهٌ مُّْنِيبٌ...»؛ (سوره هود آیه ی ۷۵) همانا ابراهیم بسیار بردبار، نرم دل و باز گشت کننده [به سوی خدا] بود.

ب- کظم غیظ

کظم در لغت به معنای بستن سر مشکی است که از آب پر شده باشد. غیظ، حالت خشم، غضب شدید و هیجان فوق العاده ی روحی حاصل از آن را گویند که با مشاهده ی ناملايمات به انسان دست می دهد. به طور کلی کظم غیظ کنایه از حالت کسی است که درون او از خشم و غضب پر شده باشد، سپس از عکس العمل خودداری کند و خشم خود را فرو برد. از همینجا تفاوت کظم غیظ با حلم مشخص می شود. چرا که حلم، حالتی از آرامش نفس است به کیفیتی که غضب از متأثر ساختن آن عاجز باشد و در واقع عبارت است از دفع غضب پیش از عارض شدن آن بر نفس. اما کظم غیظ عبارت است از فرو بردن و کنترل کردن خشم، یا رفع غضب پس از عارض شدن آن بر انسان.

ج- رفق و مدارا

رفق به معنای نرمی در گفتار و رفتار است. کسی که از خشونت و عصبانیت دوری می کند و برادر مؤمن خود را مورد عفو خود قرار می دهد، بدیهی است که فضای خوبی را برای دوستی و مهربانی بوجود آورده است و به این وسیله، صفت عفو را به صفت نرمش و مدارا ضمیمه می سازد. مدارا یعنی اینکه انسان با مردم با ملایمت رفتار کند و آزار آن ها را تحمل نماید. بنابراین، لازمه ی مدارا با مردم این است که انسان از گناه دیگران درگذرد و خطای آن ها را ببخشد.

گفتار دوم- فضائل عفو

عفو به عنوان یکی از صفات اخلاقی ارزشمند، دارای فضیلت ها و امتیازات بزرگی می باشد. روایات زیادی از پیامبر و اهل بیت ایشان در باب فضیلت عفو وارد شده از آن جمله: از پیامبر صلوات الله علیه

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شماره چهارم
و هفتم، زمستان ۱۳۹۴

روایت شده است که: « الْعَفْوُ أَحَقُّ مَا عَمِلَ بِهِ »؛ گذشت سزاوارترین چیز است که به آن عمل شود. امام علی علیه السلام می فرمایند: « الْعَفْوُ أَعْظَمُ الْفَضِيلَتَيْنِ »؛ گذشت بزرگترین فضیلت است. همچنین امام صادق علیه السلام می فرمایند: « ثَلَاثٌ مِنْ مَكَارِمِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ: تَعَفُّو عَمَّنْ ظَلَمَكَ وَ تَصِلُ مَنْ قَطَعَكَ وَ تَجْلُمُ إِذَا جُهِلَ عَلَيْكَ »؛ سه چیز از فضیلت های ارزشمند دنیا و آخرت است: بخشیدن کسی که به تو ستم کرده است، پیوستن به کسی که از تو بریده است، بردباری ورزیدن هرگاه نسبت به تو رفتار جاهلانه ای شود.

امیر المؤمنین علی (علیه السلام) در حدیث دیگری می فرمایند: « الْعَفْوُ تَاجُ الْمَكَارِمِ » عفو و گذشت تاج مکارم اخلاقی است. می دانیم که تاج نشانه ی عظمت و قدرت است و هم زینت و بر بالاترین عضو بدن یعنی سر قرار داده می شود. این تعبیر نشان می دهد که عفو و گذشت در میان فضائل اخلاقی موقعیت خاصی دارد.

مهم ترن دلیل فضیلت عفو این است که یکی از اسامی و صفات خداوند متعال است. امام سجاد (علیه السلام) در حال راز و نیاز با پروردگارش عرض می کند: « أَنْتَ الَّذِي سَمَّيْتَ نَفْسَكَ عَفْوًا، فَأَفُوا عَنِّي » خدایا تو آن کسی هستی که خود را عفو کننده نامیده ای، پس از گناهان و تقصیرات من در گذر. فضیلت دیگر آن این است که یکی از سنت های پیامبران و رسولان و از صفات ائمه است. امام صادق (علیه السلام) در بیان این فضیلت فرموده است: « الْعَفْوُ عِنْدَ الْقُدْرَةِ مِنَ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ وَالْمُتَّقِينَ »؛ عفو کردن هنگام قدرت روش انبیاء و پرهیزگاران است.

حضرت محمد (صلوات الله علیه) سرور تمام انبیاء و فرستادگان می باشند. این صفت به بهترین شکل در وجود ایشان تجلی یافته بود و پس از آغاز شدن در سیره ی آن حضرت، در رفتار اهل بیت و ائمه ی اطهار ادامه پیدا کرد. امام صادق علیه السلام می فرمایند: « إِنَّا أَهْلَ بَيْتِ مَرْوَتِنَا الْعَفْوُ عَمَّنْ ظَلَمْنَا »؛ ما خانواده ای هستیم که عفو ستمکاران خوی ماست.

مفهوم عفو وگذشت و جایگاه آن در نظام مذهبی و اجتماعی و حقوقی ایران

همچنین فضیلت دیگر عفو این است که به انسان عزت می بخشد و او را محبوب خداوند قرار می دهد و عیب خطاکاران را می پوشاند و آنان را اصلاح می کند. این امر ما را به یاد رحمت خدا و اخلاق شرافتمندانه ی او می اندزد. رسول خدا فرموده اند: « قَالَ مُوسَىٰ يَا رَبِّ اَيُّ عِبَادِكَ اَعَزُّ عَلَيَّ؟ قَالَ الَّذِي اِذَا قَدَرَ عَفَا »؛ حضرت موسی عرض کرد: پروردگارا کدامیک از بندگانت نزد تو عزیز ترند؟ خداوند فرمود: کسانی که در حال اقتدار عفو و گذشت کنند.

گفتار چهارم- باید ها و نباید های عفو

حوزه ی مدارا و عفو بسی گسترده است. در مسائل شخصی به ویژه در معاشرت و همزیستی اجتماعی که در تقابل با حقوق دیگران نیست، اصل بر تسامح و نرمش و مدارا و عفو و گذشت است از این رو، توسل به خشونت و شدت، جز به هنگام ضرورت تجویز نشده است. امام علی (علیه السلام) به یکی از مأمورانش دستور می دهد: « جایی که جز درشتی به کار نیاید، درشتی پیش گیر. »

از این رو در مقام عمل، موارد نرمش و عفو و مدارا به مراتب بیشتر و گسترده تر از موارد شدت و خشونت است. اگر به دیده ی دقت بنگریم، حتی در مواردی که شدت و قاطعیت لازم است، باید به حد ضرورت اکتفا شود. برای نمونه، در اجرای حدود و مجازات های اسلامی، نمونه هایی از عفو و انعطاف وجود دارد از جمله: تشویق به عفو در مورد حق الناس، عفو مجرم در صورت توبه قبل از صدور حکم در حقوق الهی، حق عفو برای حاکم در مورد اقرار و... با توجه به اهمیت این موضوع به بیان این نکته پرداخته شده و موارد هر یک ذکر می شود:

بند اول- عفو ممدوح

مواردی که عفو و گذشت درباره آنها جایز و چه بسا لازم و ضروری است از این قرار است:

۱- حقوق شخصی (اعم از جانی و مالی)

از تحلیل و جمع بندی نصوص دینی و تأمل در سیره ی پیامبران و امامان می توان دریافت که

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شماره چهل
و هفتم، زمستان ۱۳۹۴

محدوده‌ی تسامح و عفو و مدارا در امور شخصی و حوزه
ی شدت عمل و قاطعیت درباره‌ی مسائل مربوط به اصول
و ارزش‌های دینی و دفاع از حق و عدالت است، درشتی
و تندی در مورد اول، کاری ناپسند و غیر اخلاقی
بوده و تسامح و انعطاف در مورد دوم، عین مدهانه و
سازشکاری است.

عفو از حقوق شخصی شامل دو بخش جانی و مالی می‌شود
که اینک به تفصیل به آن پرداخته خواهد شد:

الف) عفو در حکم قصاص

خداوند در قرآن می‌فرماید: «...يا أَيُّهَا الَّذِينَ
ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ بِالْحُرِّ وَ
الْعَبْدِ بِالْعَبْدِ وَ الْأُنْثَىٰ بِالْأُنْثَىٰ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ
شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَ آدَاءُ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ
تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ رَحْمَةٌ فَمَنْ أَعْتَدَ بِعَدْوٍ فَلَهُ عَذَابٌ
أَلِيمٌ...»؛ (سوره ی بقره، آیه ۱۷۸) ای کسانی که
ایمان آورده‌اید حکم قصاص در مورد کشتگان، بر شما
مقرر شده است: آزاد در برابر آزاد و برده در
برابر برده و زن در برابر زن، پس اگر کسی از سوی
برادر (دینی) خود، چیزی به او بخشیده شود (و حکم
قصاص تبدیل به خون بها گردد، ولی مقتول) باید از
راه پسندیده پیروی کند؛ (شرایط پرداخت کننده را
در نظر بگیرد) و او نیز به نیکی دیه را (به ولی
مقتول) بپردازد (و مسامحه نکند)؛ این، تخفیف و ر
حمتی است از ناحیه‌ی پروردگار شما و کسی که بعد
از آن تجاوز کند، عذاب دردناکی خواهد داشت.

در تفسیر این آیه آمده است که: «فمن عفی له
من اخیه شیء» مراد از کلمه‌ی موصول (من - کسیکه)
آن است که مرتکب قتل شده و عفو از قاتل تنها در
حق قصاص است، در نتیجه مراد از کلمه‌ی (شیء) همان
حق است و اگر (شیء) را نکره آورده برای این بوده
که رأفت آنان را به نفع قاتل برانگیزد و نیز
بفهماند در عفو لذتی است که در انتقام نیست.

ب) عفو در مورد حقوق مالی

مفهوم عفو وگذشت و جایگاه آن در نظام مذهبی و اجتماعی و حقوقی ایران

خداوند متعال جایگاه والای عفو در مورد حقوق مالی را-که مربوط به خودش است- اینگونه بیان می کند:

«و إِنْ طَلَقْتَهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَ قَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوا الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَ أَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى...».

این آیه ی شریفه درباره ی احکام طلاق نازل شده است؛ به این ترتیب که « وقتی طلاق پیش از زناشویی انجام شود، بر مرد واجب است که نصف مهریه را به همسرش پرداخت کند اما اگر خود زن یا ولی او که اجازه ی نکاح به دستش بوده است، نصف مهریه را به مرد ببخشد، این نیز از او ساقط می شود». سپس خطاب به مردان فرموده است: « گذشت کردن شما (و پرداخت تمام مهریه به زن) به تقوی نزدیک تر است». در این قسمت از آیه که اشاره به نزدیک بودن صفت عفو به تقوی دارد یک نکته ی ظریف اخلاقی نهفته است. به طور مسلم کسی که از حق شرعی خود صرف نظر کند، آمادگی و توانایی بیشتری برای پرهیز از حرام کسب می کند. سرانجام خداوند فرموده است: «... وَ لَا تَنسُوا الْقَضَلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ...»؛ (سوره بقره ، آیه ۲۳۷) بزرگواری را میان یکدیگر فراموش نکنید زیرا خداوند به آنچه انجام می دهید بیناست.

این جمله مردم را به احسان به وسیله ی بخشیدن مهریه و آسان گرفتن کار تشویق می کن. به این صورت که مرد تمام مهریه را به همسرش بدهد، زوجه نیز کار را سبک گرداند و مهریه را ببخشد.

۲- عفو لغزش های مؤمنین (اعم از خویشان و برادران دینی) از زیبایی های بسیار مهم اخلاقی و حسنات باطنی، چشم پوشی از ستم قابل گذشتی است که کسی از روی جهل و تعصب و کینه و خشم و حسادت و تنگ نظری به انسان روا داشته است. بی تردید هر انسانی در معرض کینه و خشم و تنگ نظری و حسد خویشان و آشنایان و دیگر مردمان است. اگر بخواهد در مقام انتقام بر آید، زیان و ضررش از ستمی که دیده بیشتر است چون باید گناهی مانند گناه ستم کنندگان

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شماره چهارم
و هفتم، زمستان ۱۳۹۴

انجام دهد تا آرام شود. ولی اگر طبق سفارش خداوند در قرآن گذشت پیشه کند، هم خشنودی خدای متعال را جلب کرده و هم به پاداش عظیم حق دست یافته و هم از ضرر و زیان انتقام که محصول تلخ کینه و خشم است در امان مانده است.

خداوند متعال هم در قرآن بر این موضوع تأکید کرده است: «... وَلَا يَأْتَلِ أُولُو الْقُرْبَىٰ مِنَ كُمْ وَ السَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولَى الْقُرْبَىٰ وَ الْمَسَاكِينَ وَ الْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لِيَعْفُوا وَ لِيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ...»؛ (سوره نور، آیه ۲۲) صاحبان ثروت و سرمایه داران شما نباید از دادن مال به خویشاوندان خود و بینوایان و مهاجران در راه خدا دریغ ورزند و باید عفو کنند و گذشت نمایند. مگر دوست ندارید که خدا بر شما ببخشد؟ و خدا آمرزنده ی مهربان است.

۳- عفو در خانواده

یکی دیگر از موارد عفو و بخشش در حقوق خانوادگی می باشد که عفو و گذشت در چنین مواردی بر انتقام جویی که باعث از هم پاشیدن کانون خانواده می گردد مقدم است.

بی تردید انسان، در قبال تربیت صحیح خانواده ی خود مسؤول است اما قرآن کریم تأکید می کند که در برابر رفتار نادرست آنان، نباید شدت عمل نشان داد بلکه می باید در عین قاطعیت و حفظ ارزش ها، از شیوه ی عفو و محبت و گذشت در امر تربیت استفاده کرد.

«... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَ إِنْ تَعَفَّوْا وَ تَصَفَّحُوا وَ تَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ...»؛ (سوره تغابن، آیه ۱۴) ای کسانی که ایمان آورده اید بعضی از همسران و فرزندانان دشمنان شما هستند، از آنها بر حذر باشید و اگر عفو کنید و صرف نظر نمایید و ببخشید (خدا شما را می بخشد) چرا که خداوند بخشنده و مهربان است.

۴- عفو نسبت به کافران و دشمنان

مفهوم عفو و گذشت و جایگاه آن در نظام مذهبی و اجتماعی و حقوقی ایران

پیشوایان اسلام، معلمان اخلاق و ادب بوده اند و تا آنجا که موجب تقویت ستم و ستمگر نشود و حق و عدالت پایمال نگردد، حتی نسبت به کافران و سرسخت ترین دشمنان خود، شفقت و مهربانی و گذشت داشته اند.

خداوند در آیه ای به مؤمنان توصیه می کند که حتی از لغزش کافران و منکران قیامت نیز (اگر مفسده نداشته باشد) بگذرند و کار آنها را به خدا واگذارند: «... قُلْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ...»؛ (سوره ی جائیه ، آیه ۱۴) به مؤمنان بگو: کسانی را که امید به ایام خدا [روز رستاخیز] ندارند مورد عفو قرار دهند تا روزی که خداوند هر قومی را به اعمالی که انجام می داند خبر دهد.

ه- عفو در هنگام قدرت

عفو و مجازات، هر کدام جای ویژه ای دارد. در جایی که انسان قدرت بر انتقام و مقابله به مثل دارد، اگر راه عفو را پیش می گیرد، از موضع ضعف نیست. این گونه عفو، سازنده است.

در زمینه ی اهمیت عفو در زمان قدرت، روایاتی وارد شده است از جمله اینکه:

پیامبر اکرم (صلوات الله علی و آله) می فرمایند: شایسته ترین انسان ها به عفو کردن از دیگران، کسی است که توانایی اش بر عقوبت، بیشتر از دیگران باشد.

حضرت علی (علیه السلام) نیز طی سخنانی فرموده اند: «أَحْسَنُ أَعْمَالِ الْمُقْتَدِرِ الْعَفْوُ»؛ بهترین کارهای شخص قدرتمند، گذشت است.

امام حسین (علیه السلام) می فرمایند: «أَنَّ أَعْفَى النَّاسِ مَنْ عَفَا عِنْدَ قُدْرَتِهِ»؛ با گذشت ترین مردم کسی است که در زمان قدرت داشتن گذشت کند.

امام صادق (علیه السلام) در حدیثی گذشت نکردن در هنگام قدرت بر انتقام را عملی زشت و ناپسند می داند: «مَا أَقْبَحَ الْإِنْتِقَامَ بِأَهْلِ الْأَقْدَارِ»؛ چه زشت است انتقام گیری قدرتمندان.

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شماره چهل
و هفتم، زمستان ۱۳۹۴

۶- عفو زیر دستان

امام علی (علیه السلام) در زمان حکومت مصر به مالک اشتر می فرماید: « وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سُبْعًا ضَارِيًّا »؛ نسبت به آنان حیوان درنده ای مباش که خوردنشان را غنیمت شماری، در ادامه ی این نامه می فرماید: زیرا مردم دو گروهند: یا برادر دینی تواند یا همنوع تو، که از ایشان لغزش سر می زند و در معرض درد و گرفتاری ها قرار دارند و دانسته و ندانسته خلاف می کنند، بنا براین همانگونه که خود دوست داری خداوند تو را ببخشد و از خطاهایت در گذرد تو نیز آنان را ببخش و از خطاهایشان در گذر... از بخشش و گذشت هرگز پشیمان مباش و از کیفر دادن خوشحالی نکن.

مسئولان جامعه باید به روش پیامبر اکرم (صلوات الله علیه و آله) و ائمه (علیهم السلام) اقتدا نمایند و لغزش هایی را که جنبه ی خیانت و جنایت ندارند و از افراد تحت سرپرستی آنها سر زده، مورد عفو و بخشش خود قرار دهند، به گونه ای که در رشد زیر دستان مؤثر باشد و باعث حقیر شدنشان نشود.

۷- عفو عذر خواهنده

آنچه گفته شد از استحباب عفو و احسان راجع به عفو ابتدایی است یعنی ستم کشیده بدون درخواست ستم کننده او را ببخشد. اما اگر ستمگر شرمگین شده و از ستم دیده پوزش بخواهد و عذر خواهی کند لازم است عذرش را بپذیرد و از او در گذرد.

پیامبر اکرم (صلوات الله علیه و آله) راجع به پذیرفتن عذر دیگران فرموده است: « إِقْبَلُوا الْعُذْرَ مِنْ كُلِّ مُتَنَصِّلٍ مُجَقًّا كَانَ أَوْ مُبْطِلًا فَمَنْ لَمْ يَقْبَلْ فَلَا نَا لَهُ شَفَاعِي »؛ پوزش پذیر باشید از هر پوزشی، خواه درست باشد یا نادرست و هر که نپذیرد شفاعت من به او نرسد.

امام سجّاد (علیه السلام) نیز فرموده اند: « إِنْ شَتَمَكَ رَجُلٌ عَنْ يَمِينِكَ ثُمَّ تَحَوَّلَ إِلَى يَسَارِكَ فَأَعْتَذِرْ إِلَيْكَ فَاقْبَلْ مِنْهُ »؛ اگر کسی از سمت راستت به تو دشنام

مفهوم عفو و گذشت و جایگاه آن در نظام مذهبی و اجتماعی و حقوقی ایران

داد، سپس برای عذر خواهی به سمت چپ تو آمد، عذرش را بپذیر.

بند دوم- عفو مذموم

قانون الهی عفو نسبت به همه ی انسان های خطاکار به طور یکسان اجرا نمی شود. اگر قرار باشد هر گناه و لغزشی مورد عفو و بخشش قرار گیرد، نظام جامعه ی اسلامی مختل و متشنج می شود. موارد نهی شده از عفو و گذشت عبارتند از:

۱- حدود و حقوق الهی

شرع مقدس، عفو و اغماض را محدود به جرم هایی ساخته است که مشمول حد شرعی و قصاص نباشد. عفو در اجرای حدود الهی در صورت اجتماع شرایط، موجب اخلاص نظام است. از این رو خداوند در سوره ی نور، آیه ۲ می فرماید: «... الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ أَلَّا تَكُونُوا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلِيَشْهَدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ...»؛ هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید و نباید رأفت و محبت کاذب نسبت به آن دو، شما را از (اجرای) حکم الهی مانع شود، اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید باید گروهی از مؤمنان مجازاتشان را مشاهده کنند.

حضرت محمد (صلوات الله علیه و آله) می فرماید: «تَجَاوَزُوا عَنِ الذَّنْبِ مَا لَمْ يَكُنْ حَدًّا»؛ از گناه تا زمانی که مستوجب حد نباشد، در گذرید. این حدیث به طور واضح بیان می کند که درست است باید از گناهان دیگران چشم پوشی کرد و آنها را مورد عفو قرار داد، ولی وقتی شخصی گناهی مرتکب شده که باید بر آن حد جاری کرد در این جا عفو و گذشت جایز نیست.

۲- حقوق دیگران

عفو در اموری که مربوط به خود شخص باشد، روا و جایز است. زیرا به سایر افراد جامعه ارتباط چندانی ندارد اما نمی توان از ظلم ستمگری در حق

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شماره چهارم
و هفتم، زمستان ۱۳۹۴

مظلومان یک جامعه گذشت، یا توهینی را که نسبت اهل کرامت و عزت شده است، نادیده گرفت. حتی خداوندی که عفو و گذشت در ذاتش نهفته است، حق الناس را سخت می گیرد و می فرماید: «... الَّذِينَ يَلْمِزُونَ مُطُوعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ...»؛ (سوره توبه آیه ۷۹) کسانی که از مؤمنانی که به میل خود صدقات (مستحبی) می دهند، عیب جویی می کنند و کسانی را که (در انفاق) جز به اندازه ی توانشان نمی یابند، مسخره می کنند، (بدانند که) خداوند آنان را به ریشخند می گیرد و برایشان عذابی دردآور خواهد بود.

۳- دشمنان و توطئه گران منافق گاهی در جامعه افراد و جریاناتی نقشه ی برانداختن حکومت اسلامی را در سر می پرورانند و دست به اقدامات عملی می زنند و یا با اشاعه ی شایعات در جامعه ایجاد اضطراب و تزلزل می کنند. در این مورد، قرآن کریم دستور می دهد که در صورت ادامه ی این شیوه، برخورد سخت و دور از تسامح صورت گیرد. «... لَئِن لَّمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا * مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثُقِفُوا أُخِذُوا وَقُتِلُوا ثَقْتِيلاً...»؛ (سوره احزاب، آیه ۶۰) اگر منافقان و کسانی که در قلب هایشان بیماری هست و نیز کسانی که اخبار دروغ در مدینه پخش می کنند دست از کارشان برند ما تو را ضد آنان می شورانیم و بر آنان مسلط می کنیم. سپس جز مدت کوتاهی نمی توانند کنار تو در این شهر بمانند* از همه جا ترد می شوند و هر جا که یافته شوند گرفته خواهند شد و به سختی به قتل خواهند رسید.

همچنین شیوه ی برخورد حضرت علی (علیه السلام) با خوارج قابل تأمل است. حکومت علوی تا زمانی که مخالفان و منافقان اقدامی در جهت براندازی آن انجام نداده بودند با آنان مدارا نمود ولی آنگاه که در صدد اقدام عملی بر آمدند به شدت با آنان برخورد کرد.

مفهوم عفو و گذشت و جایگاه آن در نظام مذهبی و اجتماعی
و حقوقی ایران

در حدیثی از امام علی علیه السلام آمده است: « جازٍ
بِالْحَسَنَةِ وَ تَجَاوَزَ عَنِ السَّيِّئَةِ مَا لَمْ يَكُنْ ثَلَمًا فِي
الدِّينِ أَوْ وَهْنًا فِي سُلْطَانِ الْإِسْلَامِ »؛ نیکی ها را به
نیکی پاداش ده و از بدی ها صرف نظر کن مادام که
لطمه ای بر دین یا سستی بر حکومت اسلامی وارد نمی
کند.

۴- ظالم جائز و افراد پست

عفو و گذشت در مورد دشمن، مخصوص زمانی است
که خطر جدیدی از طرف او، احساس نشود و امر اصلاح
در تربیت او، مؤثر واقع گردد، اما در جایی که
هنوز از طرف دشمن احساس خطر می شود عفو و بخشش او
را جسورتر می کند و در ستمگریش راضی و خوشنود می
سازد. همچنین اسلام تأکید می کند مبارزه باید تا
آخرین مرحله ی پیروزی ادامه یابد. در احادیث
اسلامی نیز به این استثنا اشاره شده است، اشاراتی
پر معنی و لطیف از جمله در حدیثی از امیر
المؤمنین علی (علیه السلام) می خوانیم: « الْعَفْوُ
يُفْسِدُ مِنَ اللَّئِيمِ بِقَدْرِ أَصْلَاحِهِ مِنَ الْكَرِيمِ »؛ عفو و
گذشت افراد لئیم و پست را فاسد می کند به همان
اندازه که افراد با شخصیت را اصلاح می نماید.

گفتار سوم- آثار عفو در اجتماع

بند اول- آثار منفی ترک عفو

ترک عفو و اصرار بر انتقام زیان های متعددی به
دنبال دارد از جمله این که:

الف- کینه ورزی

کسی که او را خشم می گیرد اگر به قوت ایمان
صبر کرد و آتش خشم خود را خاموش نمود، دلش آلودگی
پیدا نمی کند و همچنین اگر نتوانست صبر کند و
توانست تلافی کند، پس آن هم دلش از آتش خشم آزاد
است ولی اگر صبر نکرد و تلافی هم نتوانست کند پس
آتش خشم در دلش جای گرفته و دشمنی و نفرت و کینه
ی طرف مقابل در دلش پیدا می شود و اگر این حالت در
دل مستقر شود زیانهایی دارد، که عبارتند از: حسد
، غیبت ، تهمت ، خیانت ، تحقیر ، قطع رابطه و ...
روشن است که تمام این اعمال ناپسند و حرام است.

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شماره چهل
و هفتم، زمستان ۱۳۹۴

بیماری های روانی و سلب آرامش و هبط اعمال غضب سرچشمه ی بسیاری از گناهان بزرگ است و حالت غضب خطرناکترین حالات انسانی است که اگر کنترل نشود، عقل را از بین برده و شخص را به جنون و دیوانگی می کشاند.

کسی که فاقد روحیه ی سماحت و گذشت است، بر اثر کوچکترین برخورد، خشمگین شده و خود را درگیر نزاع و کشمکش با افراد می کند، نه تنها آسایش زندگی از او سلب می شود بلکه گرفتار بسیاری از گناهان و لغزش ها و گناه جنایاتی بزرگ می گردد که تا ابد در آتش ندامت آن خواهد سوخت. امام علی (علیه السلام) می فرمایند: «الْحَقُّوْهُ مُعَذِّبُ النَّفْسِ، مُتَضَاعَفُ الْهَمِّ»؛ جان کینه توز در عذاب است و اندوهش دو چندان.

ب- ایجاد دشمنی و فروپاشی جامعه

بدیهی است که افراد جامعه ی انسانی دارای طبیعت ها و اندیشه های گوناگون و آداب و درک و شعور های متفاوت می باشند و این خود باعث وجود اختلاف و تنش ها می شود و راهی برای رهایی از پیامدهای این اختلافات وجود ندارد مگر صبر و سازش و گذشت و چشم پوشی و بی اعتنایی به بد رفتاری خطاکاران، اما تندخویی و سخت دلی مایه ی دشمنی و انگیزه ی انتقام گیری می شود و این ها هم در آیه ی ۱۵۹ آل عمران از پیامبر نفی شده زیرا خداوند فرموده است: «رحمت خدا باعث شد که تو با مردم با نرمی رفتار کنی و اگر تند خو و سخت دل بودی از گرد تو متفرق می شدند».

بند دوم- فواید و برکات عفو و بخشش در اجتماع

زندگی انسان به تنهایی مشکل است. جز با معاشرت و برقراری ارتباط با هم نوع، سهل و آسان نمی شود. برای هر نوع معاشرت و رابطه، آدابی وجود دارد که ناگزیر باید آن آداب معاشرت را آموخت. یکی از نکاتی که در بحث آداب معاشرت می گنجد این است که در یک جامعه ی انسانی و اسلامی، افراد نسبت به یکدیگر وظایف متقابل بر عهده دارند.

مفهوم عفو و گذشت و جایگاه آن در نظام مذهبی و اجتماعی و حقوقی ایران

از جمله حقوقی که در اکثر روابط انسانی باید رعایت شود، عفو، صفح و نادیده گرفتن لغزش های یکدیگر است. انسان با چشم پوشی از خطای اطرافیان خود آنها را شرمنده می سازد و دشمنی شان را خنثی می کند و چه بسا عفو و گذشت انسان چراغ هدایت دیگران می گردد و علاوه بر این عامل جلب محبت دل هاست و دیگران را نسبت به انسان خوشبین و وفادار می سازد.

الف- از بین رفتن کینه ها و ایجاد محبت در اجتماع ادامه ی حیات انسانی مبتنی بر عفو و گذشت است، زیرا اگر همه ی مردم در استیفای حقوق خویش سخت گیر باشند و از کوچکترین لغزشی چشم پوشی نکنند، زندگی تلخ شده و روح صمیمیت از میان جامعه رخت بر می بندد و همکاری و تألیف میان افراد غیر ممکن است.

عفو کردن از ستم های جزئی موجب تقویت نظام اجتماع است زیرا عفو سبب زیادی محبت است و آن نیز سبب تقویت اجتماع است.

در حدیثی از رسول گرامی اسلام آمده است: « تَعَاَفُوا تَسْقُطِ الضَّغَائِنُ بَيْنَكُمْ »؛ یکدیگر را عفو کنید که دشمنی ها و کینه ها را از بین می برد.

بنابراین، گسترش فرهنگ عفو موجب رواج اخلاق و تربیت دینی در اجتماع می شود و از بروز کینه ورزی و حس انتقام جویی میان اعضای جامعه جلوگیری می کند. خصوصاً اگر خطاها به صورت ناخواسته و غیر عمدی باشند که در این صورت، گذشت و عفو بسیار ارزشمند و اخلاقی است.

ب- تبدیل دشمنی ها به دوستی ها معمولاً هرگاه کسی بدی کند انتظار مقابله به مثل دارد اما هنگامی که می بیند طرف مقابل او با خوبی و نیکی مقابله می کند، از رفتار خود شرمنده می شود و برای شخص مقابل عظمت قائل می شود. اینجاست که سردی دشمنی و تنفر به گرمی محبت و صمیمیت می گراید و این از آثار عفو و احسان است.

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «... وَ لَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَ لَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِأَلْتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ...»؛ (سوره ی فصلت ، آیه ۳۴) هرگز نیکی و بدی یکسان نیست؛ بدی را با نیکی دفع کن ناگاه (خواهی دید) همان کسی که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است. جذب افراد به دین در برابر افرادی که مردم را به خدا دعوت می کنند، افراد بی تفاوت و نا اهلی نیز پیدا می شوند که اگر مبلغ دین با سعه ی صدر با آنان برخورد نکند توفیقی حاصل نمی شود. به یقین مدارا و خوش خلقی پیامبر بزرگ اسلام و اولیای دین و توده ی مسلمانان در طول تاریخ، از مهمترین دلایل گسترش اسلام جواب مردم به دینداری بوده است. برای مثال روزی که پیامبر بر مشرکان مکه پیروز شد با بیان مهر آمیز «... لا تُثْرِبَ عَلَیْكُمْ الْيَوْمَ...» (سوره یوسف ، آیه ۹۲) فرمان عفو عمومی صادر نمود. نتیجه ی این عفو کریمانه این شد که مردم دسته دسته به اسلام گرویدند. «... وَ رَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا...» (سوره ی نصر ، آیه ۲).

ج- عزتمندی و محبوبیت

از دیگر آثا مثبت عفو و مدارا با مردم کسب محبوبیت و عزت در میان آنهاست چرا که درگیری با اهلان و انتقام جویی نشانه ی کوته فکری و عدم تسلط بر نفس می باشد و آدمی را در نظر مردم پست و بی ارزش می کند و در مقابل، بردباری و بزرگواری به او شخصیت و عظمت می بخشد. از این رو امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: «اگر می خواهی گرامی و محترم باشی نرم خو باش و اگر می خواهی خوار و ذلیل باشی خشونت روا دار».

حضرت رسول اکرم (صلوات الله علیه و آله) می فرمایند: «عَلَيْكُمْ بِالْعَفْوِ، فَإِنَّ الْعَفْوَ لَا يَزِيدُ الْعَبْدَ إِلَّا عِزًّا فَتَعَاَفُوا يُعَزِّكُمْ اللَّهُ»؛ بر شما باد گذشت، زیرا گذشت جز بر عزت بنده نیفزاید. از هم بگذرید تا خدا به شما عزت دهد.

مفهوم عفو و گذشت و جایگاه آن در نظام مذهبی و اجتماعی و حقوقی ایران

گفتار چهارم-بسترها و راهکارهای تحصیل صفت عفو
بند اول-بسترهای جریان عفو و بخشش

الف-خانواده

زمانی که انسان نطفه ای بیش نیست، از اخلاق و حالات روحی مادرش تأثیر می پذیرد. غم ها و شادی های مادر، شجاعت و شهامت او، حالت غضب و برافروختگی های او، همه و همه آثار خود را در فرزند به جا می گذارند. بنابراین چه بهتر که کودک از فردی متولد شود که دارای روحیه ی عفو و گذشت می باشد تا این صفت همچنان در کودک باقی بماند.

اما پس از تولد کودک، دامن پر مهر پدر و مادر نیز می تواند استعداد های درونی افراد را پروراند و به آنها درس عزت نفس، شهامت و عفو و گذشت دهد و کلیه ی سجایای انسانی را به او بیاموزد.

زیرا این دوران بهترین فرصت برای فرا گرفتن حقایق علمی و رشد دادن عقل و تجربه است. همان طور که بهترین زمان برای بنیان گذاری پایه های اخلاق و پرورش صفات حمیده در کودک است.

ب-اجتماع

یکی دیگر از عوامل نیرومندی که در روان بشر نقش مهمی ایفا می کند محیط اجتماعی و روابط عمومی است. هر گاه انسان در اجتماعی قدم بگذارد که زندگی مردم آن بر محور مسالمت، انسان دوستی، انس و الفت و سایر عواطف انسانی می چرخد، تحت تأثیر ضوابط آن اجتماع قرار می گیرد، با آنها مدارا و سازش می کند و فرد با گذشت و مهربانی می شود. اما اگر وارد جامعه ای شود که انسانیت معنای واقعی خود را از دست داده است، طبق قانون جنگل عمل می کند و نسبت به انسان ها بی رحم و سنگدل می شود. بنابر این، اجتماع سالم یا ناسالم بر افراد تاثیرات مثبت یا منفی می گذارد.

بند دوم-راهکارهای تحصیل صفت عفو

برای تحصیل تمام صفات اخلاقی یا ریشه کن کردن رذائل، دو راه علمی و عملی وجود دارد که از این

دو راه برای به دست آوردن صفت اخلاق عفو و مقابله
با حس انتقام جویی، نیز بهره برد.

الف- راهکارهای علمی

منظور از راه های علمی، این است که انسان با به
کارگیری اندیشه و تعقل خود، این صفت را کسب کند
از جمله راه های کسب صفت عفو عبارت است از:

۱- مقایسه و سنجش آثار عفو و انتقام

بهترین راه برای درمان صفت رذیله ی انتقام
جویی و صعود به اوج فضیلت عفو و گذشت در درجه ی
اول، تفکر درباره ی پیامد هر یک از این دو صفت
است، هنگامی که انسان ببیند عفو و گذشت چه برکاتی
در دنیا و آخرت دارد و چگونه سبب قدرت و آبرو و
عظمت نزد خلق و خالق می شود و انسان را از مشکلات
بسیار زندگی و دردهای فراوان می رهاند و به او
محبوبیت نزد مردم و خدا می دهد، در حالی که
انتقام جویی گاهی شیرازه ی زندگی او را به هم می
ریزد و جان و مال و آبروی او را با انواع خطرات
مواجه می کند، به یقین عفو و گذشت را بر انتقام
جویی ترجیح می دهد.

۲- تفکر در فضیلت عفو

راه عملی دیگر برای کسب صفت عفو تفکر در
فضائل عفو و گذشت است و حلم و کظم غیظ، از طریق
آیات و روایات وارده در این زمینه است، زیرا شخصی
که با فضائل و مناقب والای عفو و گذشت آشنا گردد،
اعمال و رفتارهایش از روی میزان عقل و همراه با
طمأنینه ی نفس صورت می گیرد و هر امر ساده و پیش
پا افتاده ای، او را به غضب نمی کشاند. حتی اگر
غضبناک شود، عنان عقلش را در دست می گیرد و به
حرف های زشت و اعمال نا هنجار مبادرت نمی ورزد و
بر طبق عقل، شرع، عدل و انصاف عمل می کند و
سرانجام به انسان آگاه و هوشمندی تبدیل می شود که
بین عفو که یکی از صفات نفسانیه و از اوصاف
انبیاء، اولیا و مؤمنین است و غضب که از صفات
شیطان و از رذایل نفسانیه است، فرق می گذارد و به
اشتباه نمی افتد.

مفهوم عفو وگذشت و جایگاه آن در نظام مذهبی و اجتماعی و حقوقی ایران

۳- تفکر در ارتباط بین عفو الهی و عفو دیگران خداوند از گناهان بندگان می گذرد پس ما نیز باید دیگران را عفو کنیم چنانچه دوست داریم از خطاهایمان صرف نظر شود و گناهانشان را بپوشانیم چنانچه دوست داریم گناهانمان را بیامزد که خداوند فرموده است: «...وَلِيَعْفُوا وَلِيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ...»؛ (سوره ی نور، آیه ی ۲۲) و باید عفو کنند و از سرزنش دست بردارند، آیا دوست ندارید که خداوند شما را بیامزد...»

پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله می فرمایند: «أذا أوقف العبادُ نادى مُنادٍ: لِيَقُمْ مَنْ أجزءُ عَلَى اللَّهِ وَ لِيَدْخُلَ الْجَنَّةَ. قِيلَ: مَنْ ذَا الَّذِي أجزءُ عَلَى اللَّهِ؟ قَالَ العافونَ عَنِ النَّاسِ»؛ آنگاه که بنده گان در صحرای محشر گرد آورده شوند، آواز دهنده ای جار زند: آن کسی که مزدش با خداست برخیزد و به بهشت رود. گفته میشود: چه کسی مزدش با خداست؟ می گویند: بخشاینندگان مردم.

برای این که شخص ستم دیده بتواند شخصی را که به او تعدی کرده ببخشد باید کینه ی او را از دل بیرون کند و علاج کینه این است که انسان بداند تا زمانی که کینه در قلب او باشد دائماً غمگین و اندوهناک و گرفتار خواهد بود و در دنیا و آخرت در چنگال بی رحم عذاب خواهد ماند.

ب- راهکار های عملی
نفس انسانها معمولاً به بدی ها گرایش دارد و به جای عفو کردن دیگران میل به کیفر کردن آنها دارد. پس بر فرد مؤمن لازم است به مجاهده ی نفس بپردازد و در میدان مخالفت با آن گام بردارد تا کم کم آن را از تمایل به شرّ و بدی باز دارد و به سمت صلح و آشتی سوق دهد، اما اگر نفس را به حال خود واگذارد و در تمایلاتش یاری کند، از عدل و انصاف خودداری می کند.

راهکارهای عملی کسب صفت عفو عبارتند از:

۱- ایجاد و تقویت مبانی عقیدتی و اخلاقی

به نظر می‌رسد مهمترین عامل دستیابی به فضیلت عفو و مدارا، ایجاد و تقویت مبانی عقیدتی و اخلاقی آن است چراکه در حقیقت، باورها زیرساخت خلق و خو و حالات آدمی است و رفتارها برآیند حالات او. از این رو، هرگونه تلاش برای اصلاح رفتار، تنها در صورتی کارایی مطلوب خود را دارد که در گام نخست، باورها و زیر بناهای اخلاقی شخص، اصلاح گردد.

این مسئله، در مورد فضائل اخلاقی از جمله عفو و مدارا نیز صادق است از این رومهمترین زیر ساخت های عفو و مدارا از دیدگاه قرآن عبارتند از:

الف) تقویت شرح صدر و عظمت روح در سایه ی ایمان: در اثر عمل کردن به دستورهای شرع و عقل و با تمرین و ممارست، ملکه ای در انسان به وجود می‌آید که او را از بی‌تابی در برابر ناملایمات، خطا و سبک مغزی در مؤاخذة و مجازات دیگران و اظهار برتری بر آنها باز می‌دارد.

ب) باورمند به سرای آخرت: اعتماد به روز واپسین و پاداش های الهی و نیز هدفمندی و حکمت داری جهان آفرینش، موجب سهولت تحمل و نادیده گرفتن آزار مخالفان و فرو بردن خشم و غضب است.

ج) صبر و تقوا: در پرتوی ایمان و تقوا و ابزار صبر است که روح آدمی آنقدر وسیع و قدرتمند می‌شود که به آسانی از آزار مخالفان و خشونت جاهلان متأثر نگردد و حس انتقام جویی در او شعله ور نشود.

۲- پناه بردن به خداوند
در مواردی که انسان در صدد عفو و اغماض بر می‌آید و می‌خواهد در برابر بی‌مهری دیگران، با مهر و محبت با آنان روبه‌رو شود، چنانچه شیطان وسوسه کرد و انسان را از گذشت و کرامت نفس باز داشت، باید به خداپناه برد و از او کمک گرفت که با طیب خاطر از لغزش برادر خود در گذرد، چنانچه قرآن می‌فرماید: «...وَ إِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ...» (سوره فصلت، آیه ۳۶)؛ و هرگاه وسوسه ای از شیطان متوجه تو گردد از خدا پناه بخواه که او شنونده و داناست.

مفهوم عفو و گذشت و جایگاه آن در نظام مذهبی و اجتماعی و حقوقی ایران

۳-مقابله با خاستگاه خشم و غضب
غضب مانع عفو است، پس باید به معالجه ی غضب پرداخت و پیش از هر چیز باید به خداوند پناه برد. هنگام غضب باید فوراً تغییر حالت داد. اگر ایستاده است بنشیند و یا خود را سرگرم کار دیگری کند و در صورت امکان برای مدتی از آن مکان فاصله بگیرد تا خشمش فرو کش کند. همچنین وضو گرفتن با آب سرد و غسل کردن در فرونشاندن خشم و غضب مؤثر است. از نبی اکرم (صلوات الله علیه و آله) روایت شد است که: « إِذَا غَضِبَ أَحَدُكُمْ فَلْيَتَوَضَّأْ وَ لِيَغْتَسِلْ فَإِنَّ الْغَضَبَ مِنَ النَّارِ »؛ هنگامی که یکی از شما غضب می کند، وضو بگیرد غسل کند زیرا غضب از آتش است. موارد ذکر شده برای فرو کش کردن خشم و غضب است اما بهتر آن است که بتوان با تمرین نیروی خشم غضب را به کنترل عقل در آورد. همانگونه که علم و دانش جز با تعلم تدریجی حاصل نمی شود، فضیلت حلم و ملکه ی مدارا نیز جز با تمرین فرو بردن خشم و وانمودن خود به بردباری به دست نمی آید. بنا بر این، شخص در مراحل اولیه باید تلاش کند تا حد امکان از اعمال خشونت و واکنش های منفی پرهیز کرده و خشم خود را فرو نشانند. با تکرار این عمل، به تریج فرو خوردن خشم به صورت یک عادت مثبت در می آید به گونه ای که شخص به راحتی خشمگین نمی گردد و در صورت بروز خشم به راحتی می تواند آن را کنترل کند و گام به گام به کسب فضیلت عفو و مدارا نزدیک می شود.

از امام علی (علیه السلام) در این باره روایت شده است که: « اگر بردبار نیستی خود را به بردباری وادار، چه اندک است که شخصی خود را همانند گروهی کند و از جمله آنان نشود».

بخش دوم: عفو و گذشت و جایگاه آن در نظام حقوقی ایران
گفتار اول-تعریف جرم شناسی و اقسام آن
بند اول-تعریف جرم شناسی

اصطلاح جرم شناسی را برای اولین بار توپینار دانشمند فرانسوی در کتاب خود که در سال ۱۸۲۹ منتشر نمود بکار برد و در گزارش خود در دومین

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شماره چهل
وهفتم، زمستان ۱۳۹۴

کنگره بین المللی «مردم شناسی جنایی» که در سال ۱۸۸۹ در پاریس تشکیل شده بود، تصریح کرد که جزء اول جرم شناسی که واژه لاتین می باشد به معنی «اتهام» و به جای جرم یا جنایت بکار رفته و جزو دیگر آن از کلمه یونانی لوجی یعنی «علم» می باشد که در اکثر علوم، تحت عنوان «شناسی» مصطلح گردیده است.

در سال ۱۸۸۵ یعنی ۶ سال پس از انتشار کتاب مذکور، گاروفالو- ایتالیایی- برای اولین بار کتابی را تحت عنوان «جرم شناسی» منتشر کرد. اما در کتاب مذکور، تعریف جامع و کاملی از جرم شناسی به عمل نیاورد. بعداً نیز دانشمندان، هر یک از دیدگاه رشته تخصصی خود از قبیل زیست شناسی، روانشناسی، روانپزشکی، پزشکی و بالاخره جامعه شناسی، تعریف های گوناگونی از جرم شناسی نمودند. فری، جرم شناسی را، «علم مطالعه جرم» تعریف کرده است.

زیلیک - دانشمند اتریشی - در کتاب جرم شناسی خود آن را، «علم جرم» نامیده؛ در ضمن توصیف بزه، رفتار ضد اجتماعی افراد را ناشی از تأثیر عوامل جسمی و روانی تشریح کرده است. «جرم شناسی پیشگیری، شاخه ای از جرم شناسی کاربردی است که موضوع آن، تعیین مؤثرترین وسایل برای تأمین پیشگیری از جنایت در مقیاس کل جامعه یا جمعیتی محدودتر مثلاً یک شهر یا یک محله بدون توسل به ارعاب عمومی به وسیله تهدید کیفری می باشد.»

تری معتقد بود باید در مقررات تقنینی (سیاسی، اقتصادی، مدنی، اداری و کیفری) از بزرگترین نهاد جامع تا کوچکترین جزئیات هستی آن، به سازمان اجتماعی جهتی آنچنان داد که فعالیت انسانی به جای آن که بیهوده تحت تهدید کیفر قرار گیرد، برعکس لاینقطع به طور غیرمستقیم به راه های غیرمجرمانه رهبری گردد. برای دفاع اجتماعی در برابر جرایم و برای اعتلای اخلاقی توده ملت، ارزش کوچکترین پیشرفت در تحولات پیشگیری اجتماعی صد

مفهوم عفو وگذشت و جایگاه آن در نظام مذهبی و اجتماعی و حقوقی ایران

مرتب به بیشتر از ارزش انتشار يك مجموعه قانون کیفری است.

تاریخ و آمار و مشاهده مستقیم پدیده ها این حقیقت را ثابت می کند که برای جلوگیری از جرایم، قوانین کیفری ضعیف ترین قوانینی است که تأثیر آن از هر اقدام دیگر کمتر است؛ زیرا نقش اصلی جلوگیری از بروز جرایم به عهده قوانینی است که جنبه اقتصادی و سیاسی و اداری دارد. پس از مکتب تحقیقی، جرم شناسی پیشگیری، همچنان کانون توجه بسیاری از جرم شناسان و متصدیان امور اجتماعی بوده است و تئوری های مختلفی نیز در این زمینه ارائه شده است. البته این رویکرد جدید نیز مانند هر ابتکار و نوآوری علمی دیگر، مصون از انتقاد نمانده است به گونه ای که امروزه برخی از جرم شناسان با افق های جدیدی فراتر از پیشگیری می اندیشند و معتقدند باید به جای پیشگیری به فرآیند «مدیریت خطر» اندیشید.

دورکیم: جامعه شناس فرانسوی می نویسد: «بررسی سلسله اعمال مشترکی که جرم نامیده می شود و با مجازات فاعل آن، جامعه واکنش نشان می دهد، موضوع علم جرم شناسی است»

لارگیه: استاد فرانسوی معتقد است که جرم شناسی بررسی علل و قوع بزه و مطالعه بزهکار است.

پنیاتل: جرم شناس معروف فرانسوی. در کتاب جرم شناسی خود می نویسد: «جرم شناسی مجموعه علوم است که با پدیده جرم مرتبط است و هر فعلی که جامعه مجازات نماید، جرم محسوب می گردد.

لئوته: استاد حقوق جزایی فرانسه، جرم شناسی را «بررسی علمی پدیده جنایی» یعنی اعمال ضد اجتماعی فرد می داند.

با بررسی تعریف های مختلفی که در بالا ذکر گردید، چنین به نظر می رسد که، تعریفی که لارگیه از جرم شناسی بعمل آورده یعنی بررسی علل وقوع بزه و مطالعه بزهکار، جامع ترین تعریفی است که در مورد جرم شناسی صدق می کند.

بررسی عقاید مذکور، این سؤال را پیش می آورد که: آیا جرم شناسی علم مستقلی است یا نه؟

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شماره چهارم
و هفتم، زمستان ۱۳۹۴

۱- جرم شناسی علم مستقلی نیست
برخی از دانشمندان جرم شناسی را به چهارراهی
تشبیه کرده اند که در آن، کلیه علومی که بزه و
بزهکار را مورد بحث قرار می دهند، تقاطع پیدا می
کنند.

دکتر دو گریف De Greef: استاد بلژیکی، جرم شناسی را
مستقلا علم نشناخته و آن را علمی در حال تکامل
تلقی می کند.

دی تولیو Di Tullio: جرم شناس ایتالیایی، جرم شناسی
را متشکل از مردم شناسی کیفری، جامعه شناسی کیفری
و سیاست کیفری توصیف نموده است.

۲- جرم شناس علم مستقلی است.
وون و لئوته از جرم شناسی به عنوان علم نام برده
اند.

زیلیگ جرم شناس اطریشی، معتقد است که جرم شناسی
علمی است که دارای رشته های مختلف می باشد.

ژولی Joly: اولین استاد جرم شناسی فرانسه، می
نویسد: « جرم شناسی علمی است که خود به خود پایه
گذاری شده است.»

با توجه به عقاید مختلف، بایستی اذعان کرد که جرم
شناسی علم مستقل جدیدی است و مانند هر علم جدید،
با علوم مختلف دیگر وابستگی دارد و در تحولات
اجتماعی، به شرح زیر مورد استفاده قرار می گیرد.

- عوامل جرم زا و موضوعاتی که برای پی بردن به
عوامل وقوع جرایم مورد تحقیق قرار می گیرند که
باید بدون اعمال غرض و با رعایت کامل بی طرفی
تغیین گردد.

- پس از بررسی عوامل جرم زا، روش های مبارزه برای
پیشگیری از بروز بزه و طرز اجرای روش های اصلاحی و
تربیتی یا درمانی برای جلوگیری از تکرار جرم
ارائه می شود.

- جلب توجه افکار عمومی به نقش سازندگی اجتماعی
جرم شناسی: با پرورش افکار عمومی به علل جرم زا و
روش های پیشگیری و توجیه لزوم همکاری افراد جامعه

مفهوم عفو وگذشت وجایگاه آن در نظام مذهبی و اجتماعی و حقوقی ایران

با مسئولین اجرایی، جرم شناسی نقش بسیار مهمی را در حفظ آرامش و امنیت ایفاء می نماید. برای تحقق بخشیدن به موارد فوق و آماده نمودن مجریان برنامه ها، مسئولین و پرورش افکار عمومی جهت پذیرش جرم شناسی در ردیف علوم جدید، در پنجمین کنگره جرم شناسی فرانسه (تور ۱۹۶۴) و ششمین کنگره فرانسه (تولوز ۱۹۶۵) تأکید شد که جرم شناسی در تمام رشته های حقوق جزا، روانپزشکی، علوم اجتماعی، پزشکی و دوره های مختلف آموزش علوم پلیسی و انتظامی بایستی تدریس گردد. در آلمان جرم شناسی در رشته های حقوق، علوم تربیتی و روانپزشکی جزو دروس اجباری و در دانشکده های علوم اجتماعی و پزشکی جزو دروس اختیاری، تدریس می شود.

بند دوم- اقسام جرم شناسی

جرم شناسی سه قسمت است:

- ۱- جرم شناسی عمومی
- ۲- جرم شناسی اختصاصی
- ۳- جرم شناسی بالینی

۱- جرم شناسی عمومی

در جرم شناسی عمومی با استفاده از زیست شناسی کیفری، روانشناسی، روانپزشکی، پزشکی و علوم اجتماعی، عوامل مؤثر در وقوع جرائم مورد بحث قرار می گیرد. متخصصین، جرم شناسی را به عناوین مختلف تعریف نموده اند از جمله:

لارگیه: مقایسه و بررسی آمار جرایم مختلف را در زمان و مکان معین، موضوع جرم شناسی عمومی می داند.

پیناتل: جرم شناسی فرانسوی. بررسی و مقایسه نتایج تحقیقات علمی جرم شناسی اختصاصی را جرم شناسی عمومی بیان کرده و می نویسد: « جرم شناسی عمومی در قله رشته های مختلف جرم شناسی اختصاصی قرار دارد.»

در جرم شناسی عمومی، علل وقوع جرایم و رفتار ضد اجتماعی افرادی که در مظان ارتکاب جرم بوده و حالت خطرناک دارند بررسی می شود. مفهوم کلمه علت

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شماره چهل
و هفتم، زمستان ۱۳۹۴

در جرم شناسی عمومی متفاوت با جرم شناسی بالینی است. در جرم شناسی عمومی، اعمال و رفتار بزهکاران با افراد عادی که مرتکب جرمی نشده اند، مقایسه شده و روش های پیشگیری از وقوع جرایم ارائه می گردد.

۲- جرم شناسی اختصاصی

علمی که برای بررسی علل ارتکاب جرایم و بروز حالت خطرناک پایه و اساس جرم شناسی را پی ریزی می نماید و رشته های خاصی را در جرم شناسی بوجود می آورد و جرم شناسی اختصاصی نامیده می شوند عبارتند از:

الف- زیست شناسی کیفری (جرم شناسی زیستی)
در زیست شناسی کیفری عوامل حیاتی مؤثر در رشد جسمی و روانی، از قبیل وراثت و ژن ها، تأثیر بیماری های مختلف جسمی و روانی، آناتومی **Anatomie**، فرد و والدین و اجدادش، فیزیولوژی (اعمال طبیعی بدن)، پاتولوژی (**Pathologie** آسیب شناسی) و بیوشیمی (**Biochimie** شیمی حیاتی) مورد بحث قرار می گیرد. استفاده از زیست شناسی کیفری جهت انطباق دادن روش های اصلاحی و تربیتی یا درمانی با شخصیت بزهکار و یا فرد در حالت خطرناک حائز اهمیت خاص می باشد.

ب- روانشناسی کیفری و روانپزشکی کیفری (جرم شناسی روانی)
در روانشناسی و روانپزشکی کیفری، میزان هوش، طرز رفتار و کردار اجتماعی، وضع روانی فرد آزمون شونده از لحاظ ابتلاء به بیماری های مغزی، اختلالات روانی، آشفتگی ها و غرایزی که سبب انحراف و یا ارتکاب بزه می گردد و همچنین رفتار غیرعادی افراد، با تست های مختلف مورد آزمایش قرار می گیرد.

ج- جامعه شناسی کیفری (جرم شناسی اجتماعی)
در جامعه شناسی کیفری که رشته ای از جامعه شناسی عمومی است عوامل و شرایط اجتماعی از قبیل جمعیت، نژاد، فرهنگ، مذهب، محیط اجتماعی، محیط

مفهوم عفو وگذشت و جایگاه آن در نظام مذهبی و اجتماعی
و حقوقی ایران

شخصی، محیط جغرافیایی، محیط اقتصادی و حتی تأثیر
قوانین کیفری و مدنی در پیشگیری و یا تقلیل و یا
افزایش بزه بحث می شود.

جامعه شناسان کیفری که بزه را یک پدیده اجتماعی
می دانند معتقدند که با شناخت عوامل اجتماعی و
شرایط جرم زا، می توان از وقوع بزه پیشگیری کرد.

۳- جرم شناسی بالینی

در جرم شناسی بالینی، با استفاده از
روانشناسی کیفری، زیست شناسی کیفری، جامعه شناسی
کیفری، روانپزشکی کیفری، فرد در حالت خطرناک و یا
بزهکار، تحت تحقیق و بررسی و آزمایش قرار می گیرد
تا علل ارتکاب جرم و یا بروز حالت خطرناک مشخص
گردد.

به طور خلاصه در جرم شناسی بالینی، هدف، انطباق
دادن بین اجرای روش های خاص با شخصیت بزهکار و
تعیین حالت خطرناک و قدرت سازگاری فرد با محیط
اجتماعی برای پیشگیری از تکرار و ارتکاب جرم است.
در جرم شناسی بالینی نتایج اجرای روش های خاص در
مورد بزهکاران نیز مورد پژوهش قرار می گیرد.

گفتار دوم- موضوع جرم شناسی

موضوع جرم شناسی «جرم» است که یک پدیده
اجتماعی است و با خلقت بشر، تحت عناوین متفاوت از
قبیل سرپیچی، سرکشی، رفتار ناشایسته و ناپسند،
آغاز گردیده است.

جرم نه تنها در بین افراد اجتماع بلکه در بین
حیوانات و نباتات نیز اتفاق می افتد. جرم در حالت
انزوا و افراد مفهومی ندارد و از نظر زمان و
مکان متغیر است.

بند اول- تعریف جرم

دانشمندان هریک با توجه به رشته تخصصی خود و
عقاید مکتبی که از آن الهام گرفته اند، تعریف های
گوناگونی از بزه نموده اند ولی تاکنون تعریف
جامعی که مورد قبول همگان قرار گیرد، بعمل نیامده
است.

الف-تعریف حقوق جرم

عده ای از حقوقدانان معتقدند که نقض قانون هر کشوری در اثر عمل خارجی، در صورتی که انجام وظیفه یا اعمال حقی آن را تجویز نکند و مستوجب مجازات هم باشد، جرم نامیده می شود. برخی دیگر، هر فعل یا ترک فعلی را که، نظم، صلح و آرامش اجتماعی را مختل سازد و قانون نیز برای آن مجازاتی تعیین کرده باشد، جرم می دانند.

پیروان مکتب عدالت مطلق، هر عملی را که برخلاف اخلاق و عدالت باشد، جرم نامیده اند. عقیده مذکور، مورد انتقاد است زیرا معمولاً قانون جزا، نهی از انجام عمل می کند و اعمالی که امر به انجام آنها می شود، در حقوق جزا نادر است و هدف غایی از تدوین قوانین کیفری، جلوگیری از افعالی است که به نحوی از انحاء، به جامعه یا افراد آن ضرر وارد می آورد و نظم اجتماعی را مختل کند و یا به منافع فردی یا جمعی لطمه بزند؛ مانند سرقت، قتل و...

اعمالی که اجرای آن از وظایف افراد است غالباً جنبه وظیفه اخلاقی دارند و اجرای آنها را قانون جزا نمی تواند تضمین کند. تعریف جرم در قوانین کیفری کشورهای که اصل قانونی بودن جرم و مجازات را به منظور حفظ آزادی فردی پذیرفته اند، متفاوت است. در جمهوری اسلامی ایران هر فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می شود.

در مقررات و نظامات دولتی، مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی باید به موجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده باشد و هیچ فعل یا ترک فعل را نمی توان به عنوان جرم به موجب قانون متأخر، مجازات نمود.

گاروفالو جرم شناس ایتالیایی معتقد است که جرایم بر دو نوع اند:

۱- جرایم طبیعی

مفهوم عفو وگذشت و جایگاه آن در نظام مذهبی و اجتماعی
و حقوقی ایران

که احساسات اولیه بشر یعنی عتوفت و شفقت را از بین برده، حیثیت و شرافت را در هر گروه اجتماعی جریحه دار می کند. احساسات مذکور همیشه در نهاد بشر وجود دارد و تغییر ناپذیرند و از قدیم الایام، ملاک تشخیص خوب از بد، قرار گرفته اند.

۲- جرایم قراردادی

که به احساسات تحول پذیر و تکامل یافته لطمه می زند. مجازات، واکنش اجتماعی جرم است. قاضی در انجام وظایف خود نباید متکی به مجازات های مندرج در قانون باشد بلکه باید خطری را که از جانب مجرم متوجه جامعه است، مدنظر قرار دهد؛ نظر به اینکه قانونگذاران نمی توانند انواع مختلف حالت های خطرناک را قبلاً پیش بینی نموده و مجازات آن را تعیین کنند، پس باید اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها لغو شود.

ب- اشکال جرم

اهم اشکال جرم عبارتند از جرایم بدوی، جرایم سودجویی، جرایم شبه قضایی، جرایم سازمان یافته و تشکیلاتی.

۱- جرایم بدوی

در اینگونه جرایم، واکنش فرد در قبال اعمال جزئی، شدید و توأم با خشنونت است و نمی تواند واکنش خود را به تعویق انداخته و یا متناسب با عمل محرك، رفتار نماید.

۲- جرایم سودجویی

در این نوع جرایم، فرد در وضعیت خاص یا خطرناکی قرار می گیرد که بدون ارتکاب جرم نمی تواند از آن وضعیت نجات پیدا کند. شخصیت و وضعیت، نقش مهمی در ارتکاب جرایم سودجویی ایفاء می نمایند.

۳- جرایم شبه قضایی

برخلاف جرایم سودجویی که در آن منظور نفع شخصی است در جرایم شبه قضایی فاعل شخصاً ذینفع

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شماره چهل
وهفتم، زمستان ۱۳۹۴

نیست، فقط به تصور اجرای عدالت اجتماعی مرتکب جرم می شود. در این نوع جرایم، حس انتقام جویی، نوع دوستی، ایدئولوژی و غیره در ارتکاب جرم مؤثر است.

۴- جرایم سازمان یافته و تشکیلاتی
در جرایم سازمان یافته، وضعیت و موقعیت خاص برای ارتکاب جرم وجود دارد. مجرمین با طرح نقشه، شناسایی محل، خرید لوازم مورد نیاز، انتخاب شرکاء و معاونین جرم، مقدمات ارتکاب جرم را فراهم می کنند. انگیزه اصلی ارتکاب اینگونه جرایم، حرص و طمع است. جرایم مذکور دو دسته می باشند:

۱- جرایمی که در محیط بزهکاران به عادت طرح آن پی ریزی می شود و ارتکاب جرایم توأم با خشنونت، حيله و تزویر است.

۲- جرایم سازمان نیافته: جرایمی که سازمان یافته نبوده است و در محیطی غیر از محیط بزهکاران حرفه ای اتفاق می افتد که به جرایم یقه سفیدها معروف است مانند رشوه، اختلاس و تقلب که از جمله جرایم مذکور است.

ج- اصول جرم شناسی
چهار پدیده یعنی علت، انگیزه، شرط و عامل، اصول جرم شناسی را تشکیل می دهند. مطالعات فرسبی

۱- علت
که در پزشکی و... مصطلح می باشد، امری است که وجود و یا وجود نداشتن معلول بدان بستگی دارد. از وجود آن، معلول بوجود می آید و یا بالعکس، اگر علت نباشد، معلول بوجود نمی آید. در جرم شناسی، علت، آفریننده جرم است. يك علت قبل از اثر بوجود می آید و سپس اثرات آن ظاهر می شود. به طور کلی علت، ناشی از مجموعه چندین عامل جرم زا و فقدان عوامل بازدارنده می باشد.

عده ای از دانشمندان در تعریف علت جرم شناسی معتقدند که هرگاه تأثیر عاملی در يك فرد بیش از

مفهوم عفو وگذشت و جایگاه آن در نظام مذهبی و اجتماعی
و حقوقی ایران

تأثیر آن عامل، در افراد عادی باشد، علت نامیده
می شود.

۲- انگیزه

غرض یا محرك اداره، يك پدیده فردی و درونی و
روانی است که آن را علت غایی و یا مقصد و هدف
نهایی نیز توصیف می کنند. عده ای از دانشمندان
معتقدند که انگیزه، ذوق یا سود و یا احساسی است
که فرد را به طرف ارتکاب جرم می کشاند.

۳- شرط

امری است که در ایجاد شیء دیگر مؤثر و سبب
اتفاقات و تحریکات اضافی می شود. بعضی از
متخصصین، شرط را لازم در وقوع جرایم می دانند و
معتقدند که بدون شرط، عملی از قوه به فعل در نمی
آید و در نتیجه شرط و علت یکی بوده و قابل تفکیک
نیستند.

۴- عامل

پدیده ای ناشی از وضع جسمی یا روانی و
اجتماعی است که در وقوع افزایش جرایم نقش مهمی را
ایفاء می نماید. عامل، بوجود آورنده جرم نیست
بلکه پرورش دهنده آن می باشد.
انواع عوامل متعدد و اهم آن، عوامل جرم زا و
عوامل بازدارنده هستند.

د- عوامل جرم زا

تحت تأثیر عوامل فردی (جسمی یا روانی)، عوامل
مستعد کننده (اثرات ارث)، عوامل آماده کننده
(الکلیسم) و عوامل ایجاد کننده (محیط) و یا
عواملی که نقش تعیین کننده دارند افراد را به طرف
ارتکاب جرم و عوامل می کشانند. اثر صددرد يك
عامل به تنهایی در وقوع جرم نادر است بلکه بر اثر
جمع عوامل مختلف، فرد در مظان ارتکاب جرم قرار می
گیرد.

ه- عوامل بازدارنده

تعدادی از افراد تحت تأثیر عقاید مذهبی، اصول اخلاقی، وضع جسمی و روانی و موقعیت اجتماعی دارای عواملی هستند که با وجود عوامل جرم زاء، مرتکب جرم نمی شوند بدین معنی که از یک سو عوامل فردی (جسمی و روانی) و محیط اجتماعی سبب مقاومت و مانع از ارتکاب جرم می شود مثال نیازمندی که با وجود نیاز مبرم به پول برای رفع حوائج خانوادگی، از ارتکاب جرم خودداری می کند. همان طور که افراد از نظر جسمی و روانی با یکدیگر متفاوت هستند، در برابر فشار حرکت های خارجی نیز، واکنش های مختلف از خود نشان می دهند. فشار ممکن است فشار جسمی و یا روانی و یا ناشی از علل مختلف خارجی باشد و مهمترین واکنش ها در برابر فشارها عبارتند از حمله، عقب نشینی و مصالحه.

و-حمله (تهاجم)

در این نوع دفاع و مقاومت، شخص سعی دارد با فعالیت بیشتر بر موانعی که در سر راه ارضای احتیاجاتش (مادی یا معنوی) موجود است، فائق آمده و آنها را از میان بردارد.

ی-فرار یا عقب نشینی

این نوع دفاع و مقاومت با استفاده از موقعیت های خاص بروز می کند. واکنش عقب نشینی اگر با حس وظیفه و یا آرمان شخص مغایر باشد، ایجاد حس گناه می کند که خود محرک تشویق و آشفته گی است.

ر-مصالحه

شایع ترین واکنش روانی در مقابل کشمکش های درونی، مصالحه است. وقتی فردی با حمله یا عقب نشینی نمی تواند بر مشکلات و خواسته های درونی فائق آید، به صورت مصالحه با پذیرش هدفی به جای هدف قبلی و یا کم کردن توقعات و آرزوها در برابر عوامل جرم زاء مقاومت می کند. لیکن برگ بروز جرم را ناشی از دو اصل می داند:

اول، عوامل فردی که تحریکاتی ایجاد کرده و فرد را به طرف رفتارهای ضد اجتماعی می کشاند.

مفهوم عفو و گذشت و جایگاه آن در نظام مذهبی و اجتماعی و حقوقی ایران

دوم، مقتضیات فردی که علیه تحریکات به مبارزه می پردازد.

حال می پردازیم به علل و راهکارهای جرم زدایی در حقوق ایران. امید است روزی فرا رسد که بشریت، خود، منجی عدالت و راهبر و راهنمایی در جهت کاهش و پیشگیری از جرم باشد.

بند چهارم- پیشگیری از جرم و جایگاه دستگاه قضایی در آن اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضاییه را قوه ای مستقل دانسته که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسؤول تحقق بخشیدن به عدالت قضایی، رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات و شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومت ها، احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی های مشروع، نظارت بر حسن اجرای قوانین، کشف جرم، تعقیب مجرمان و مجازات آنان، اجرای حدود الهی و اقدام مناسب در پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان می باشد.

مهمترین وظیفه از میان وظایف مذکور، مورد اخیر یعنی اقدام مناسب در پیشگیری از وقوع جرم می باشد که اجرا و تحقق آن- و همچنین سایر وظایف مقرر- منوط به داشتن یک نظام کیفری غنی و قوی است که با استفاده از امکانات، ابزار، دستاوردها و روش های علمی و عملی بتواند عدالت قضایی را در تمام سطوح و به نحو مطلوبی اجرا و نیازهای متنوع و پیچیده ی انسان و جوامع امروزی را پاسخگو باشد. «پیشگیری» از جمله محورهای اساسی راهبردهای ضدبزهکاری است، پیشگیری در مقایسه با مجازات ها، مفهوم جدیدی است و مانند درمان، بار پزشکی دارد و چنین به نظر می رسد که، پیشاپیش هرگونه تقبیح جامعه نسبت به عمل مجرمانه را دفع می کند. در جامعه ی امروزی اشکال نوین بزهکاری به گونه ای تنگاتنگ با تحول آداب و رسوم و فنون و شیوه های زندگی در ارتباط است و روش های جدید مداخله به منظور حل مسأله از طریق بررسی آنها از نزدیک را ایجاب می کند.

پیشگیری شامل مجموع تدبیرهای سیاست جنایی- به استناد تدبیرهای نظام کیفری- می شود که غایت انحصاری یا دست کم جزئی آن، تحدید امکان وقوع

مجموع اقدام های مجرمانه از راه غیرممکن کردن، دشوارتر کردن یا کمتر محتمل کردن آنها است.

بحث و نتیجه گیری

عفو در اصطلاح قرآن و روایات به معنی برهم نهادن قهر آمیز چشم نیست، بلکه روی گرداندن همراه با گذشت و بزرگواری است. اینگونه عفو ن به دلیل ترس و ناتوانی در انتقام است بلکه انسان های تربیت یافته در مکتب قرآن، در عین قدرت و ظفرمندی، خاطیان جفاکار را می بخشند. از این رو قرآن کریم عفو را از ویژگی های خداوند و پیامبر رحمت (صلوات الله علیه و آله) و ائمه ی معصومین (علیهم السلام) می داند. همچنین آن را از صفات پارسایان و انسان های رشد یافته معرفی کرده است، زیرا آنان که از روحی بلند برخوردارند در هنگام خشم که از بحرانی ترین انفعالات روح انسان است اختیار از کف نمی دهند و به آنچه خطاکاران کرده اند دست نمی آیند بلکه از روی بزرگواری خشم خود را فرو می نشانند.

هر چند بر اساس آیاتی از قرآن که بدی را پاداش بدی می داند، می توان متجاوزان را مجازات کرد اما شایسته تر آن است که در جامعه ی ایمان مدار، از کیفر آنان چشم پوشید زیرا این عفو موجب زدوده شدن کینه ها، بهبود روابط اجتماعی، استحکام برادری در جامعه ی ایمانی و عزتمندی و محبوبیت نزد خالق و مخلوق را دارد.

پس باید هر شخصی با استعانت از راهکارهای تحصیل عفو، این فضیلت بزرگ را در وجود خود به فعلیت رساند تا انسان ها در کنا هم از زندگی آرام و جامعه ای سعادت مند برخوردار شوند.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- صحیفه سجادیه
- ۴- آزادی، پ، اسلامی، ع ج ۱۰، تهران: ۱۳۶۷ ش.

مفهوم عفو وگذشت و جایگاه آن در نظام مذهبی و اجتماعی
و حقوقی ایران

- ۵- ایروانی، ج، فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه های اسلامی، ج ۲، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۷ ش.
- ۶- بیاتی، ج، گذشت عالی ترین کرامت انسانی (ترجمه ی کتاب العفو)، مترجم: حبیب روحانی، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
- ۷- تمیمی آمدی، ع، غررالحکم و درر الکلم، ج ۱ و ۴، قم: دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ ش.
- ۸- حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
- ۹- حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۸ و ۱۸، قم: آل البيت، ۱۴۰۹ ق.
- ۱۰- دستغیب، عبد الحسین، قلب سلیم، تهران: دار کتاب الاسلامیه، ۱۳۵۱ ش.
- ۱۱- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۱۰، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
- ۱۲- راغب اصفهانی، ابو القاسم حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، مترجم: غلام رضا خسروی حسینی، ج ۲، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۴ ش.
- ۱۳- ری شهری، م، میزان الحکمه، ج ۳ و ۱۰، قم: دار الحدیث، ۱۳۷۵ ش.
- ۱۴- ساعدی، م، اخلاق حسنه، مترجم: ، تهران: پیام عدالت، ۱۳۷۵ ش.
- ۱۵- سلطانی، غ، تکامل در پرتوی اخلاق، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴ ش.
- ۱۶- شبر، ع، اخلاق (ترجمه ی کتاب الاخلاق)، مترجم: محمد رضا جباران، قم: هجرت، ۱۳۷۴ ش.
- ۱۷- شمس الدین، م، شناخت و درمان بیماری های روحی، قم: شفق، ۱۳۷۴ ش.
- ۱۸- صابریان، م و عبدالرضا محیی الدین، زیبایی های اخلاق، محقق: قم: دارالعرفان، ۱۳۸۶ ش.

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شماره چهل
وهفتم، زمستان ۱۳۹۴

- ۱۹- طباطبائی، م ، تفسیر المیزان، مترجم:
سید محمد باقر موسوی همدانی، ج
۲، ۵، ۸، ۱۵، ۱۶ و ۱۸، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۱ ش.
- ۲۰- طبرسی، ابوالفضل علی، مشکوة الانوار،
مشهد: طوس، ۱۳۶۱ ش.
- ۲۱- عبدوس، م ، بیست و پنج اصل از اصول
اخلاقی امامان، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴
ش.
- ۲۲- فتّاحی، حمید، بهداشت روانی در اسلام، قم:
مرتضوی، ۱۳۷۲ ش.
- ۲۳- فیض کاشانی، م، محجة البیضاء، ج ۵، قم:
دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱ ش.
- ۲۴- قرائتی، م، تفسیر نور، ج ۴ و ۱۰ و ۲۴،
تهران: مرکز فرهنگی درس های از قرآن، ۱۳۸۵
ش.
- ۲۵- قرشی بنایی، ع، قاموس قرآن، مترجم: مرتضی
خوندی، تهران دارالکتاب الاسلامیه، ۱۴۱۲ ق.
- ۲۶- متقی هندی، ع، کنز العمال فی سنن اقوال و
الافعال، ج ۳، ۷ و ۱۵، بیروت: التراث اسلامی.
- ۲۷- قمی، ع، سفینه البحار، ج ۲، قم: اسوه،
۱۳۷۳ ش.
- ۲۸- قمی، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)،
الأمالی الصدوق، ج ۲، قم: بعثت، ۱۴۱۷ ق.
- ۲۹- کریمی نیا، م ، تربیت اجتماعی، قم: نشر
مؤلف، ۱۳۷۷ ش.
- ۳۰- کراجی، ا ، کنز الفوائد، قم: دار
الزخائر، ۱۴۱۰ ق.
- ۳۱- کلینی، م ، اصول کافی، ج ۱، ۲ و ۴، تهران:
دار کتاب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ش.
- ۳۲- مدرّس، م ، ستاره های فضیلت، ج ۱، تهران:
دار کتاب الاسلامیه، ۱۳۸۰ ش.
- ۳۳- مصطفوی، ح، شرح مصباح الشریعه و مفتاح
الحقیقه، ج ۲، بی جا، قلم، ۱۳۶۳ ش.

مفهوم عفو وگذشت وجایگاه آن در نظام مذهبی و اجتماعی
و حقوقی ایران

- ۳۴- معانی الاخبار ، تهران ، دارالکتاب
الاسلامیه ، ۱۳۷۷
- ۳۵- موسوی، م، بررسی مشکلات اخلاقی و روانی،
قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۰ ش.
- ۳۶- مهدوی کنی، م ، نقطه های آغاز در اخلاق
عملی، تهران: دفتر نشر اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
- ۳۷- نجفی، ر، پژوهشی پیرامون اخلاق اجتماعی،
تهران: پیام عدالت، ۱۳۸۹ ش.
- ۳۸- نیلی پور، م، بهشت اخلاق، ج ۱، قم: مؤسسه
ی تحقیقات حضرت ولی عصر (عج)، ۱۳۸۵ ش.
- ۳۹- نراقی، م ، جامع السعادات، ج ۱، بیروت،
مؤسسه ی، الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

